آیین دادرسی کیفری

جلد دوم:
صلاحیت مراجعِ رسیدگی کیفری و دلایل اثبات

دکتر علی خالقی
دانشیار دانشگاه تهران

چاپ پنجاه‌ویکم

پژوهشکدهٔ حقوق
تهران ـ ۱۴۰۵

سخن ناشر

آیین دادرسی کیفری جلوه‌گاه تقابل میان «امنیت» و «آزادی»، و به تعبیر دیگر، صحنه چالش میان حفظ نظم و امنیت عمومی، و حراست از حقوق بشر و آزادی‌های فردی است. «حق دادرسی کیفری»، و به عبارت دیگر «حق دادرسی منصفانه»، چه از منظر جامعه نگریسته شود و چه از دیدگاه متهم مورد ملاحظه قرار گیرد، در هر حال، ضامن و پشتیبان کلیه حقوق و آزادی‌هایی است که از مرحله شروع تحقیقات مقدماتی در مورد یک عمل مجرمانه تا زمان اجرای حکم کیفری، باید مورد احترام تمام مراجع ذیربط قرار گیرد. به واقع، آیین دادرسی کیفری خط بطلانی بر این تئوری است که هدف وسیله را توجیه می‌کند و مقامات قضایی در حراست از نظم و امنیت عمومی از هر قید و بندی رها هستند.

کتاب آیین دادرسی کیفری که به قلم آقای دکتر علی خالقی عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران تحریر یافته است، به لحاظ اتکای بر تجربه سال‌ها تدریس در دانشگاه‌های مختلف و دوره‌های آموزش ضمن خدمت قضات دادسرا، تلاشی است درخور تقدیر، از آن جهت که ضمن تلفیق نظریه و عمل، ظرایف آیین دادرسی کیفری را با قلمی شیوا و رسا، و در عین حال مستند و مستدل، در هم آمیخته است. پژوهشکده حقوقی شهر دانش با ارج نهادن بر زحمات مؤلف، امیدوار است که لایحه قانون آیین دادرسی کیفری با اصلاحات مناسب و در خور شأن نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران، به زودی مراحل نهایی تصویب را طی کرده، و در ویرایش بعدی کتاب، مورد تجزیه و تحلیل ایشان قرار گیرد.

وحید اشتیاق

نشان‌های اختصاری

ق.آ.د.ک : قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

ق.آ.د.ک ۷۸ : قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸

ق.آ.د.ک ۱۲۹۱ : قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۱

ق.آ.د.م : قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹

ق.ت.د.ع.ا : قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات بعدی

قانون حقوق شهروندی : قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳

ق.م.ا ۷۵ : قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵

ق.م.ا ۹۲ : قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

فهرست مطالب

سخن ناشر ۷

نشان‌های اختصاری ۹

فصل اول : صلاحیت و رسیدگی مراجع کیفری ۱۷

مبحث اول : قواعد عمومی صلاحیت مراجع رسیدگی ۱۸
گفتار اول : صلاحیت و انواع آن ۱۸
بند اول : صلاحیت ذاتی ۱۹
بند دوم : صلاحیت محلی ۲۰
الف) قاعده کلی در صلاحیت محلی ۲۰
ب) صلاحیت محلی در جرائم مرکب ۲۱
ج) صلاحیت محلی در جرائم مستمر ۲۳
د) صلاحیت محلی در جرائم مقیّد ۲۴
ه) صلاحیت محلی در جرائم ترک فعل ۲۵
و) صلاحیت محلی در جرائم ارتکابی در خارج از کشور ۲۶
بند سوم : صلاحیت شخصی ۲۸
گفتار دوم : استثناآت قواعد صلاحیت ۲۹
بند اول : صلاحیت اضافی ۲۹
الف) تعدد اتهام ۳۰
ب) تعدد متهم ۳۴
بند دوم : احاله ۳۹
بند سوم : صلاحیت انحصاری دادگاه‌های مرکز استان یا پایتخت ۴۲
گفتار سوم : تعارض صلاحیت و حل اختلاف در آن ۴۸
گفتار چهارم : ضمانت اجرای قواعد صلاحیت ۵۲

مبحث دوم : صلاحیت اختصاصی هر یک از مراجع رسیدگی ۵۳
گفتار اول : مراجع رسیدگی نخستین ۵۴
بند اول : مراجع عمومی رسیدگی ۵۵
الف) دادگاه کیفری دو ۵۵

ب) دادگاه صلح ۵۶
ج) دادگاه کیفری یک ۶۰
بند دوم : مراجع اختصاصی رسیدگی ۶۸
الف) مراجع قضایی ۶۹
۱- دادگاه نظامی ۶۹
۲- دادگاه انقلاب ۷۸
۳- دادگاه اطفال و نوجوانان ۹۲
۴- دادگاه ویژه روحانیت ۹۹
ب) مراجع غیر قضایی ۱۰۳
۱- هیأت منصفه ۱۰۳
۲- شورای حل اختلاف ۱۱۰
۳- سازمان تعزیرات حکومتی ۱۱۳
گفتار دوم : مراجع رسیدگی مجدد ۱۱۵
بند اول : قبل از قطعیت حکم ۱۱۵
الف) دادگاه تجدیدنظر استان ۱۱۷
ب) دیوان عالی کشور ۱۱۸
بند دوم : بعد از قطعیت حکم ۱۲۰
الف) اعاده دادرسی عام از طریق دیوان عالی کشور ۱۲۲
ب) اعاده دادرسی خاص از طریق رئیس قوه قضاییه ۱۳۲
مبحث سوم : نحوهٔ رسیدگی به دعوای عمومی ۱۳۶
گفتار اول: رسیدگی بدوی ۱۳۶
بند اول : رسیدگی با کیفرخواست ۱۴۲
الف) کیفرخواست کتبی ۱۴۲
۱ - دادگاه کیفری دو و دادگاه انقلاب (با وحدت قاضی) ۱۴۴
۲ - دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب (با تعدد قاضی) ۱۴۶
ب) کیفرخواست شفاهی ۱۵۲
بند دوم : رسیدگی بی‌کیفرخواست ۱۵۴
الف) بدون تحقیق در دادسرا ۱۵۴
ب) پس از تحقیق در دادسرا ۱۵۷
گفتار دوم: رسیدگی مجدد ۱۵۸

بند اول : رسیدگی به واخواهی از حکم غیابی ۱۶۲
الف) حکم غیابی ۱۶۲
ب) واخواهی از حکم و رسیدگی مجدد ۱۶۴
بند دوم: رسیدگی به اعتراض به حکم حضوری ۱۶۶
الف) رسیدگی تجدیدنظر ۱۷۵
ب) رسیدگی فرجامی ۱۷۹

مبحث چهارم : نحوه رسیدگی به دعوای خصوصی ۱۸۴
گفتار اول : دعوای خصوصیِ قابل طرح در مرجع کیفری ۱۸۵
گفتار دوم : امکان رسیدگی دادگاه جزایی به دعوای خصوصی ۱۹۱
گفتار سوم : شرایط طرح دعوای خصوصی در مرجع کیفری ۱۹۴
بند اول : در جریان بودن دعوای عمومی ۱۹۴
بند دوم : لزوم تقدیم دادخواست و استثناآت آن ۱۹۵
الف) رد مال تحصیل شده از جرم ۱۹۷
ب) تکلیف دادگاه به صدور حکم در جرائم خاص ۲۰۰
ج) مطالبه دیه و ارش ۲۰۳
بند سوم : رعایت مهلت تقدیم دادخواست ۲۰۳

فصل دوم : دلایل اثبات در امور کیفری ۲۰۵

مبحث اول : اهمیت دلیل در امور کیفری و بار ارائه آن ۲۰۵
گفتار اول : اهمیت دلیل ۲۰۵
گفتار دوم : تکلیف ارائه دلیل ۲۰۶
بند اول : محتوای اصل برائت ۲۰۶
بند دوم : آثار اصل برائت ۲۰۷

مبحث دوم : ارزیابی دلایل و مهم‌ترین دلایل اثبات ۲۱۰
گفتار اول : ارزیابی دلایل ۲۱۰
گفتار دوم : مهم‌ترین دلایل اثبات ۲۱۴

نمایه ۲۲۳

منابع ۲۳۳

جلد دوم:
صلاحیت و رسیدگی
مراجع کیفری
و دلایل اثبات

جلد دوم کتاب آیین دادرسی کیفری به دو موضوع، یکی صلاحیت و رسیدگی مراجع کیفری و دیگری دلایل اثبات در امور کیفری اختصاص دارد. مباحث این جلد به مرحله محاکمه و رسیدگی دادگاه در فرآیند کیفری مربوط می‌شود و هدف این است که معلوم شود که پس از پایان یافتن مرحله تحقیقات مقدماتی و صدور قرار جلب به دادرسی برای متهم و موافقت دادستان با آن، کدام مرجع کیفری صلاحیت رسیدگی به پرونده و صدور حکم درباره متهم را دارد و این مرجع چگونه رسیدگی می‌کند و بر اساس چه دلایلی می‌تواند اقدام به این کار نماید. بدین‌ترتیب، مطالب این جلد را در دو فصل جداگانه مورد مطالعه قرار می‌دهیم: نخست به بررسی صلاحیت مراجع کیفری و رسیدگی آنها، و سپس به بررسی دلایل اثبات خواهیم پرداخت.

فصل اول : صلاحیت و رسیدگی مراجع کیفری

پس از صدور قرار جلب به دادرسی توسط بازپرس یا دادیار و موافقت دادستان با آن و صدور کیفرخواست، پرونده متهم جهت محاکمه و صدور حکم به مرجع رسیدگی و حکم، یعنی دادگاه، ارسال می‌گردد. با این اقدام، دادستان رسماً از مرجع مذکور می‌خواهد که متهم را با توجه به دلایلی که علیه او جمع‌آوری نموده، محاکمه کرده و حکم به محکومیت او صادر نماید. تقاضانامه دادستان از دادگاه برای رسیدگی و صدور حکم به محکومیت و مجازات متهم، کیفرخواست نامیده می‌شود.

کیفرخواست به همراه پرونده، توسط دادستان به مرجع صالح به رسیدگی ارسال می‌گردد. مسأله صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده موضوع مهمی است که دادستان باید به هنگام ارسال کیفرخواست و تقاضای مجازات متهم، و نیز مرجع رسیدگی به هنگام بررسی پرونده و صدور حکم، آن را رعایت کنند. در واقع، اصولاً قوانین و مقررات مربوط به صلاحیت از جمله قوانین آمره و مربوط به نظم عمومی است که کلیه مراجع قضایی، اعم از مراجع تعقیب و مراجع حکم، موظف

به رعایت آن هستند و تخلف از آنها جایز نیست.

ارتباط قوانین صلاحیت با نظم عمومی نتایجی را بـه دنبـال دارد. نخسـت آنکه افراد ذینفع در رسیدگی کیفری نمی‌توانند بـرخلاف آن بـا یکـدیگر تراضـی نمایند و بدینوسیله با توافق یکدیگر، مقررات مربوط به صلاحیت را نقـض کننـد. دوم آنکه، اعتراض به صلاحیت مرجع رسیدگی در هر مرحله از رونـد رسـیدگی امکان‌پذیر بوده و از لحاظ زمانی مقید و محدود به زمانی خاص، مثلاً اولین جلسه رسیدگی، نمی‌باشد. سوم آنکه مرجع رسیدگی باید بدواً صلاحیت خـود را بـرای اینکار احراز نموده و در صورت عدم صلاحیت از رسیدگی به موضوع خـودداری نماید و در این کار نمی‌تواند در انتظار ایراد عدم صلاحیت یکی از افراد ذینفع در پرونده باشد. آخر آنکه، اصولاً رأی صادر شـده توسـط مرجـع فاقـد صـلاحیت، بی‌اعتبار بوده و در مرجع تجدیدنظر قابل نقـض اسـت، هـر چنـد کـه آن رأی از لحاظ محتوا به درستی صادر شده باشد.

برای تعیین صلاحیت مراجع رسیدگی قواعد و ضـوابطی مشـخص وجـود دارد. برخی از این قواعد، قواعد عمومی صلاحیت مراجع رسیدگی کیفری است و برخی از آنها مقررات ناظر بر صلاحیت‌های اختصاصی هر یک از مراجع مـذکور است. این قواعد و مقررات و نحوه رسیدگی دادگاه به دعوای عمـومی و دعـوای خصوصی را در این فصل مطالعه می‌کنیم.

مبحث اول : قواعد عمومی صلاحیت مراجع رسیدگی

به منظور بررسی قواعد عمومی ناظر بر صلاحیت مراجع رسیدگی کیفـری، لازم است که تعریف و انواع صلاحیت (گفتار اول)، استثناآت صـلاحیت (گفتـار دوم) و حل اختلاف در صلاحیت (گفتار سوم) را مطالعه کنیم.

گفتار اول : صلاحیت و انواع آن

صلاحیت در لغت به معنای شایستگی و اختیار است و در اصطلاح حقوقی

عبارتست از شایستگی یک مرجع برای رسیدگی به یک موضوع. در امور کیفری نیز مرجع رسیدگی‌کننده به موضوع اتهام باید شایستگی و اختیار مداخله و رسیدگی به آن موضوع را داشته باشد و این شایستگی یا صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده معمولاً به سه شکل پیش‌بینی می‌شود: صلاحیت ذاتی، صلاحیت محلی و صلاحیت شخصی.

بند اول : صلاحیت ذاتی

در میان انواع صلاحیت، نخست صلاحیت ذاتی قرار دارد که ملاک تعیین‌کننده آن موضوع اتهام است و از این لحاظ صلاحیت ذاتی مراجع رسیدگی به جرائم ممکن است متفاوت باشد. اصولاً صلاحیت ذاتی در تعیین مراجع صالح در رسیدگی‌های حقوقی نیز مورد نظر است و سه عنصر صنف، نوع و درجه، صلاحیت ذاتی مراجع قضایی و غیر قضایی، یا حقوقی و کیفری را از یکدیگر تفکیک می‌نماید.

منظور از صنف یک دادگاه تعیین این نکته است که رسیدگی به موضوع مورد نظر باید توسط مرجع حقوقی صورت گیرد یا کیفری یا اداری. بدیهی است که با تفکیک صلاحیت‌های مراجع مختلف رسیدگی، امور حقوقی در دادگاه‌های حقوقی، امور جزایی در مراجع کیفری، و شکایت از طرز کار و اقدامات ادارات و دستگاه‌های دولتی در دیوان عدالت اداری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. منظور از نوع یک دادگاه تعیین این نکته است که آیا مرجع مزبور باید یک مرجع عمومی باشد یا اختصاصی. مراجع عمومی مراجعی هستند که صلاحیت رسیدگی به کلیه امور را دارند مگر اموری که صراحتاً رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع دیگری قرار گرفته باشد. برعکس، مراجع اختصاصی مراجعی هستند که اصولاً صلاحیت رسیدگی به هیچ امری را ندارند، مگر اینکه رسیدگی به امور معینی صراحتاً در صلاحیت آنها قرار گرفته باشد. منظور از درجه نیز، تعیین این نکته است که رسیدگی به موضوع مورد نظر در صلاحیت مرجع بدوی است یا مرجع

تجدیدنظر. در واقع، به منظور تضمین درستی احکام و جلوگیری از اجرای احکام نادرست و مبتنی بر اشتباه، این امر پذیرفته شده است که اصولاً رسیدگی‌ها دو درجه‌ای باشد، بدین ترتیب که پس از رسیدگی نخستین و صدور حکم در مورد قضیه (مرحله بدوی)، کسی که حکم را به زیان خود می‌داند حق اعتراض به آن را داشته، و بتواند رسیدگی مجدد به آن موضوع را از مرجعی بالاتر تقاضا نماید (مرحله تجدیدنظر). مرجعی که برای نخستین بار باید به موضوع رسیدگی نماید، مرجع بدوی و مرجعی که رسیدگی او باید مسبوق به رسیدگی مرجعی دیگر باشد، مرجع تجدیدنظر نامیده می‌شود.

بند دوم : صلاحیت محلی

پس از تعیین صلاحیت ذاتی، نوبت به تعیین صلاحیت محلی می‌رسد. در مورد این صلاحیت، ابتدا باید از قاعده کلی سخن گفت و سپس اجرای آن در برخی مصادیق دشوار را بررسی نمود.

الف) قاعده کلی در صلاحیت محلی

نوعی دیگر از صلاحیت که همراه با صلاحیت ذاتی مجموعاً تعیین‌کننده صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده است، صلاحیت محلی نام دارد که از آن به صلاحیت نسبی هم یاد می‌شود. بدین ترتیب، بعد از اینکه معلوم گردید که مثلاً برای رسیدگی به اتهام کلاهبرداری، مرجع صالح از لحاظ صنف، یک مرجع کیفری، از لحاظ نوع، یک مرجع عمومی[1] و از لحاظ درجه، مرجع رسیدگی‌بدوی است، نوبت به تعیین این نکته می‌رسد که از میان مراجع کیفری عمومی بدوی و موجود در کشور، کدام یک صلاحیت رسیدگی به اتهام مورد نظر را دارند؟

برای پاسخ به این سؤال، صلاحیت محلی یا نسبی پیش‌بینی شده است که

۱. درصورتی‌که چند مرجع اختصاصی تشکیل شده باشند، تعیین مرجع صالح از میان آنها نیز، مشخص کننده صلاحیت ذاتی است.